



سوره مبارکه انعام

جلسه ششم : ۹۲/۵/۱

در مقدمه سوره مبارکه انعام بیان شد:

* انسان در نظام ظلمات قرار گرفته است به این معنا که در نظام مراتب و موقعیت‌های مختلف قرار گرفته تا به سمت بالا یعنی به سمت نور سیر داشته باشد.

* در طی این مسیر چند مشکل و آفت بر سر راه انسان وجود داشت که «کسب» و «عدل گرفتن برای خدا» و «مراء» و ... از این جمله بودند.

* «مراء» به معنای تردید است، تردید در چیزی که نباید در آن تردید کرد و فرد به خاطر اشتباه خودش در سردرگمی قرار گرفته است. او خودش امر را بر خودش مشتبه ساخته است.

آیه ۱۱۴ علت دچار شدن به مراء در انسان‌ها را بیان کرده است.

ادامه دسته دوازدهم آیات ۱۰۶ تا ۱۲۱:

جلسه قبل تا آیه ۱۱۴ توضیح داده شد.

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴)
پس آیا داوری غیر از خدا جویم؟ در حالی که اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است. و کسانی که کتابشان داده‌ایم، می‌دانند که قرآن از جانب پروردگار تو به حق نازل شده است. پس هرگز از اهل تردید مباش.

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)
و سخن پروردگارت از لحاظ صدق و عدل تمام و کمال است، و کلمات او را تغییر دهنده‌ای نیست و او شنوای داناست.

وَإِن تَطْعَ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶)
و اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی، تو را از راه خدا به در می‌کنند، آنها صرفاً از وهم و گمان پیروی می‌کنند و جز این نیست که به گزاف و حدس سخن می‌گویند.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۷)
مسلم‌ها پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسی از راه او منحرف می‌شود، و همو به راه یافتگان داناتر است.

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸)
پس اگر به آیات او ایمان دارید، از ذبحی که نام خدا بر آن یاد شده است بخورید.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَانِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۹)
و شما را چه شده که از ذبحی که نام خدا بر آن یاد شده است نمی‌خورید؟ در حالی که خدا آنچه را بر شما حرام کرده برایتان شرح داده است، جز آنچه بدان ناچار شدید. و به راستی بسیاری به هوس‌های خویش، بدون آگاهی [مردم را] گمراه می‌کنند. آری، پروردگار تو به [حال] متجاوزان آگاه‌تر است.

وَذُرُوا ظَهْرَ الْأَائِمِّ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَائِمَّ سَيُخْرَجُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۲۰)
و گناه را چه آشکار و چه پنهان ترک کنید [زیرا] آنها که گناه می‌کنند، به زودی سزای اعمالی را که مرتکب می‌شدند خواهند دید.

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)
و از ذبحی که نام خدا بر آن یاد نشده است نخورید، چرا که آن قطعاً نافرمانی است، و بی‌گمان شیاطین دوستان خود را وسوسه می‌کنند تا با شما مجادله کنند، و اگر اطاعتشان کنید همانا شما [هم] مشرکید.

آیه ۱۱۴: این آیه، بحث «مُتمَرین» را مطرح و سپس نسبت آن را با بحث «حکم» مشخص کرده است.

- اگر انسان در نظام ظلمات، خداوند را حَکَم قرار دهد، یعنی در هر مرتبه‌ای حکم و قانون را از خداوند بخواهد، البته خداوند هم برای تحقق این مسئله راه قرار داده است. (وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا) یعنی خدا از واسطه‌ای به نام کتاب استفاده کرده است که تفصیل داده شده است. به عبارت دیگر خداوند به واسطه قرآن، این امکان را برای انسان فراهم کرده است تا خداوند را حَکَم قرار دهد و اینگونه مرء در انسان‌ها حل می‌شود.

- نتیجه: شاید ما در هر مرتبه و مرحله‌ای نتوانیم حق را به تمامی تشخیص دهیم اما کاری را که باید انجام دهیم، به لطف کتاب تفصیل یافته خدا، می‌توانیم تشخیص دهیم.

- ما از چرایی و چیستی و علت و ... کارها، می‌خواهیم بفهمیم که چه کاری باید انجام دهیم، حال اگر بتوانیم آن کار را تشخیص دهیم دیگر احتیاجی به «چیستی / دلیل / علت / فلسفه / چرایی / چگونگی؟» احکام نخواهیم داشت. خدا برای ما راه حلی قرار داده است و گفته که اگر انسان‌ها من را حَکَم قرار دهند، من راه را به آنها نشان خواهم داد و دیگر احتیاجی به چرایی و چیستی و چگونگی و ... آن کار ندارند. حَکَم قرار دادن خدا یعنی همه باید‌ها و نبایدهایمان را از خدا بگیریم.

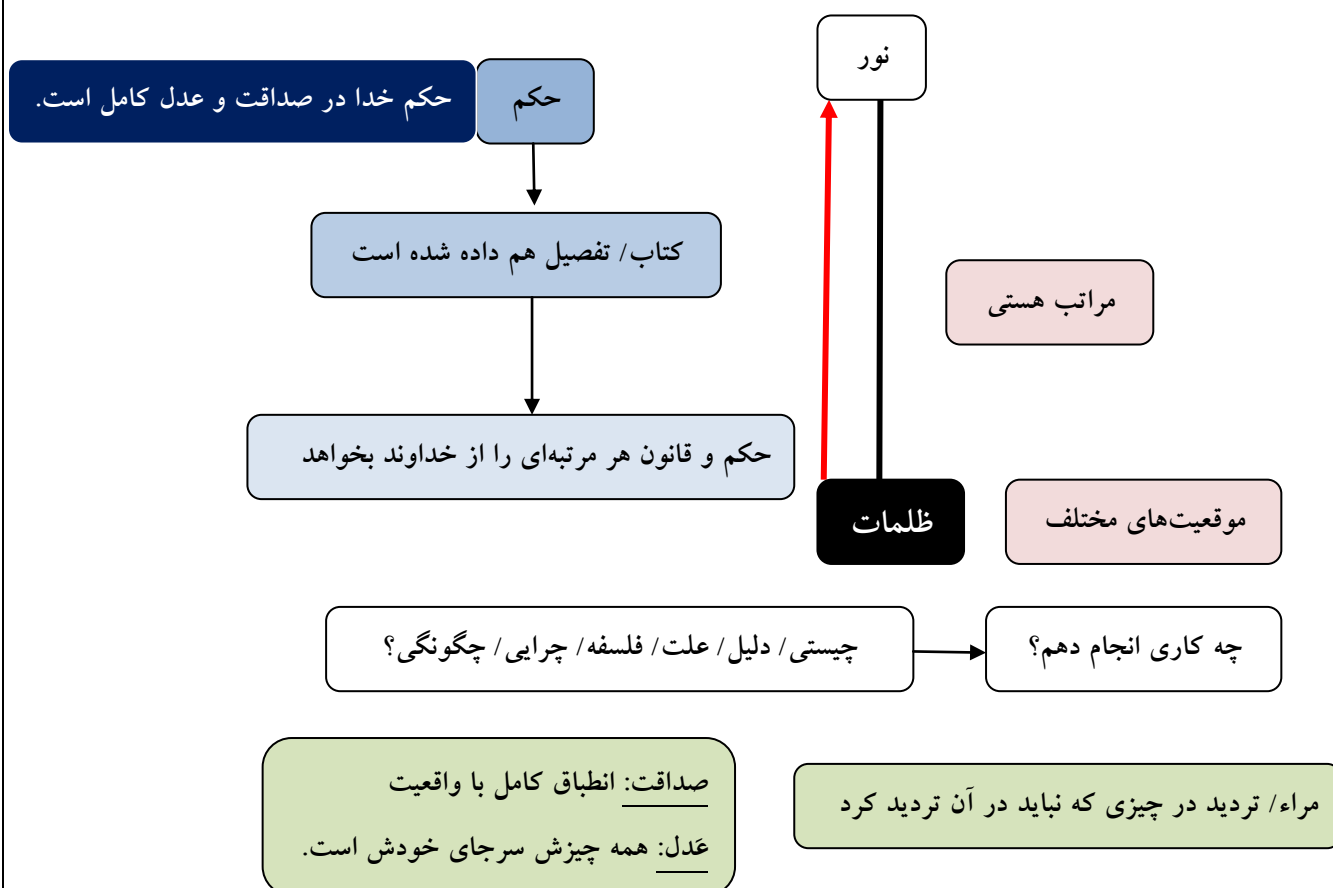
- توجه: این حرف به این معنا نیست که هر حکمی «چیستی / دلیل / علت / فلسفه / چرایی / چگونگی» ندارد.

- اگر انسان خدا را حَکَم قرار دهد و همه باید‌ها و نبایدهایش را از خدا بگیرد دیگر دچار مرء نمی‌شود.

- آیه ۱۱۵: نظام حکمیت و کتاب خدا کاملاً بر صدق و عدل است. (تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا)

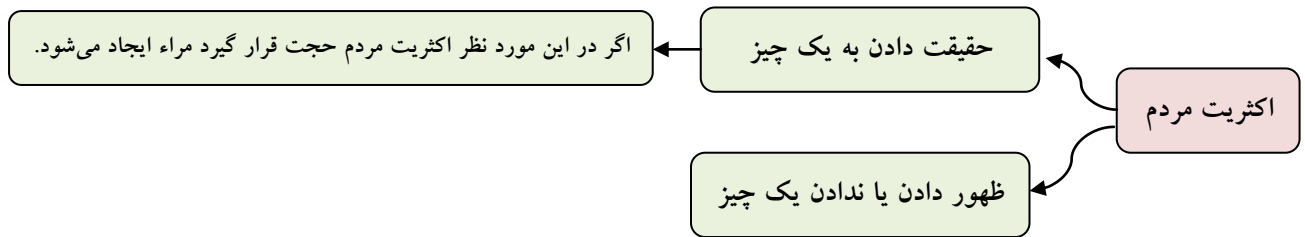
- صداقت به این معنا است که کاملاً حقیقی است و هیچ قسمت توهمی ندارد.

- عدل به این معناست که همه چیز سر جای خودش است و در عین حال اینکه متعادل می‌بیند.



آیه ۱۱۶: از مواردی است که مراء ایجاد می کند یعنی «نظر اکثریت مردم» باعث ایجاد مراء در جامعه می شود.

- توجه مهم: نظر اکثریت در جامعه برای «بروز» یک چیز حجت هستند اما برای تأیید یک چیز حجت نیستند. به عبارت دیگر «اکثریت حجت است اما فقط در ظهور دادن و یا ندادن یک چیز».



- مثال: مردم در اینکه حکومت اسلامی را بخواهند یا نخواهند، حجت دارند ولی در اینکه حکومت اسلامی حق است یا نه، آنها هیچ حجتی ندارند.

- نظر اکثریت بار روانی خود را القاء می کند و اگر انسان پیوند عمیق با قرآن نداشته باشد، به راحتی دچار تردید می شود.

- آیات ۱۱۷ و ۱۱۸: اکل: مصرف کردن یک چیز برای دستیابی به نتیجه است.

- اکل واژه‌ای عام است. هر قابلیت و توانمندی که مصرف شود، «اکل» است اعم از پول، خوردنی، موقعیت و توانمندی و ...

- مثال: انسانی که توانمندی بدنی خود را مصرف می کند تا به مدال دست یابد «اکل» انجام داده است.

- انسان در مصرف کردن هایش باید مبتنی بر قواعد خدا عمل کند.

- مصرف کردنی که مبتنی بر ذکر و اذن الهی نباشد حتماً ضلالت می آورد.

- هیچ کس نمی تواند بگوید توانایی و دارایی مال خودم است و هرکاری دلم بخواهد می کنم.

- مصرف کردن دارایی‌ها و قابلیت‌ها بدون در نظر گرفتن حکم الهی حتماً موجب ماندن انسان در ظلمات می شود که به این «ضلالت»

گفته می شود. (فسق)

- اگر در جامعه مردم دارایی‌هایشان و ... را منطبق با حکم الهی خرج نکردند، نتیجه‌اش فسق است.

آیه ۱۲۰: این آیه رابطه بین کسب و مراء را نشان می دهد زیرا اگر کسی چنین عمل کند طبق مراء به ورطه انجام «اثم» می افتد و این

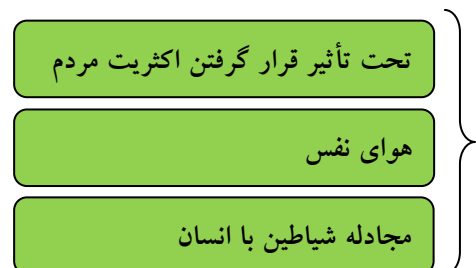
اکتسابی می شود که برای او «یقترفون» ایجاد می کند و باعث عذاب می شود.

- در واقع «کسب»، نتیجه‌ای است حاصل از مراء که وزر و وبال انسان می شود و او را وارد جهنم می کند.

آیه ۱۲۱: وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ، یعنی ثمره این ماجرا فسق است. اگر در جامعه‌ای مردم دارایی‌ها و

توانمندی‌هایشان را منطبق با حکم الهی استفاده نکردند، ثمره‌اش «فسق» است.

- به طور خلاصه «عوامل اعراض مردم از حکم» را باید به صورت زیر دانست:



- یعنی شیطان آنقدر برای انسان دلیل و توجیه و ترس و نگرانی می‌آورد تا انسان را از انجام آن کار منصرف کند.

- شیطان جدالش را تا حد «افتراء» هم پیش می‌برد.

- برای جلوگیری از القاء شیطان باید سوره مبارکه ناس را کاربردی کنیم. سوره ناس مقابله با وسوسه شیطان را به ما می‌آموزد.

- برای جلوگیری از القاء شیطان بر طبق سوره مبارکه ناس باید در کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، «سرعت عمل» داشته باشیم. یعنی زمان را از شیطان بگیریم و اگر زمان گرفته شود، جدال دیگر کار نمی‌کند.

- انسان به محض اینکه فهمید چیزی درست است نباید وقت تلف کند و باید سریع انجام دهد. به عبارتی باید فرصت زمانی جدال را از شیطان بگیریم.

- توجه: اگر کسی طبق حکم عمل کند خدا نواقصش را پوشش می‌دهد.

زنگ دوم:

دسته سیزدهم آیات ۱۲۲ تا ۱۲۷:

<p>أَوْ مَنْ كَانَ مَيَّنًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۲)</p> <p>آیا کسی که مرده بود و زنده‌اش کردیم و برایش نوری پدید آوردیم که با آن در میان مردم راه برود، مانند کسی است که گویا در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ بدین سان برای کافران اعمالی که انجام می‌دادند، جلوه یافته است.</p>
<p>وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مَّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۱۲۳)</p> <p>و بدین گونه در هر شهری رؤسای تبهکارش را گماشتیم [و همه گونه امکانات به آنها دادیم] که عاقبت در آن به فریبکاری دست یازند. و آنها صرفاً به خودشان نیرنگ می‌زنند و درک نمی‌کنند.</p>
<p>وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (۱۲۴)</p> <p>و چون آیتی سويشان آید گویند: هرگز ایمان نمی‌آوریم، مگر آن که نظیر آنچه به رسولان خدا داده شده به ما نیز داده شود. خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد. به زودی کسانی که مرتکب گناه شدند، به سزای این که مکر می‌کردند دچار خفت در پیشگاه خدا و عذابی سخت خواهند شد.</p>
<p>فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)</p> <p>پس هر که را خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای اسلام بگشاید و هر که را بخواهد در گمراهی [و] گذارد، سینه‌اش را تنگ و تنگ‌تر گرداند چنان که گویی در آسمان بالا می‌رود. خدا این چنین بر کسانی که ایمان نمی‌آورند پلیدی می‌نهد.</p>
<p>وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)</p> <p>و راه راست پروردگار تو همین است. ما آیات [خود] را برای مردمی که پند می‌گیرند، به روشنی بیان داشته‌ایم.</p>
<p>* لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۷)</p> <p>برای آنها نزد پروردگارشان سرای سلامت است، و او دوستدار و یاور آنهاست به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند.</p>

- عبارتهای این دسته از جمله غرر سوره مبارکه انعام است.

- آیه ۱۲۲: این آیه جمع همه مطالب قبلی است به این معنا که حیات عبارت است از نوری که انسان به واسطه آن مشی می‌کند.

- آیه ۱۲۳: در این آیه بحث «مکر» نیز مطرح شده است. مکر جایی است که انسان «حق» را شناخته ولی تدبیری می‌کند تا «حق» را نپذیرد و آن را تحت تأثیر خود قرار دهد.

- آیه ۱۲۴: انسان نباید برای نظام حکم، تعیین تکلیف کند و برای پذیرش حکم شرط و شروط آورد. انسان نباید به شرط، ایمان آورد.

- اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ: خدا بهتر می‌داند رسالتش را چگونه جعل کند.

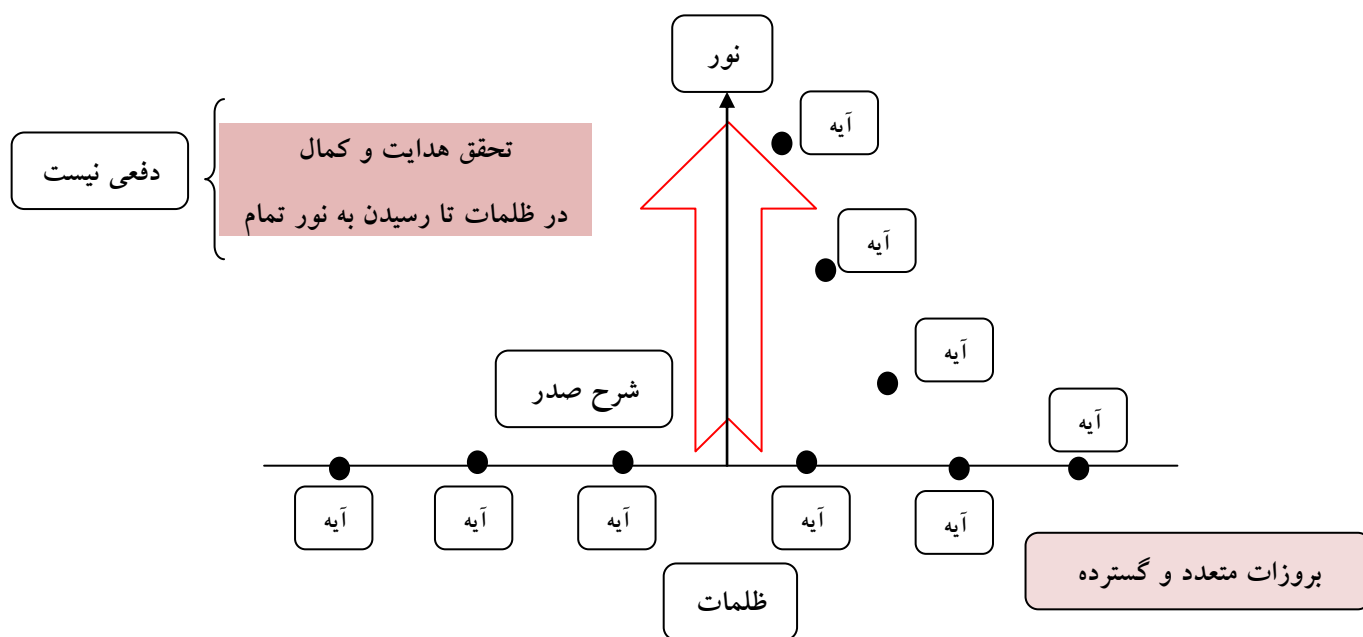
- آیه ۱۲۵: «شرح» صدر بسیار واژه مهمی است. زیرا طی کردن نظام ظلمات به سمت نور و اینکه خدا بخواهد کسی را هدایت کند تا از ظلمات کنده شود و به سمت نور برود نیازمند «شرح صدر» است.

- یعنی سینه فراخ و گشاده‌ای می‌خواهد. از دو حیث:

اولاً: برای طی کردن مراحل صبر جامع و گسترده‌ای می‌خواهد. زیرا خروج از ظلمات و هدایت شدن دفعی نیست. یعنی

تحقق هدایت و کمال، مشی در ظلمات تا رسیدن به نور تمام، دفعی نیست.

ثانیاً: ابراز گسترده می‌خواهد. انسان باید بتواند با بچه و بزرگ رابطه برقرار کند با مؤمن و کافر، با زن و مرد و ...



- اینکه اثم و گناه نتواند دل ما را فتح کند احتیاج به طی مسیر دارد.

- انسان باید سینه‌اش بسیار فراخ و گسترده باشد تا بتواند بروزات متعدد و گسترده داشته باشد.

- توجه: شرح صدر، خودش هم تدریجی است زیرا آن هم طبق قاعده کمال است.

- تمام آنچه که در رابطه با هدایت در سوره مبارکه انعام آمده است در رابطه با شرح صدر نیز صادق است: مانند اینکه انسان حکم را مبنای حکم خدا قرار دهد و یا جلوی هوای نفس بایستد و یا در برابر مجادله شیطان بایستد.

- ویژگی کفر، تنگی انسان‌هاست. هدایت است که فراخی می‌آورد. (وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا)

- اگر کسی تنگی دارد و صبر ندارد و ابرازات متعدد ندارد، به این معناست که هدایتش کامل نیست.

- ارتباط برقرار کردن با یک مسلمان راحت‌تر است و اگر نتوانیم با یک مسلمان راحت ارتباط برقرار کنیم به این معناست که آن مسلمان هدایتش کامل نیست.

- انسان هرچه مسلمان‌تر شود، تحمل دیگران برایش راحت‌تر است.

- توجه: تحمل به معنای سازش نیست به معنای این است که آن شخص را بیشتر می‌فهمد.

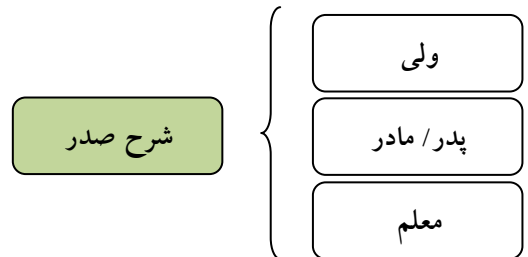
- انسان باید به وسیله خواندن ذکر، قبض‌هایی را که برایش ایجاد می‌شود به انبساط تبدیل کند.

- «قبض» تنوع ابراز را می‌گیرد و امکان بروز دین را کم می‌کند.

- اگر انسان در مسیر هدایت باشد، هر اتفاقی که برای او می‌افتد، شرح صدرش را بیشتر می‌کند. به شرطی که انسان مبتنی بر حکم عمل کند و هرچقدر انسان مبتنی بر حکم عمل نکند، ضیق برایش به وجود می‌آید.

- در نظام ظلمات کسی که نقش ولی، پدر و مادر، معلم و ... پیدا می‌کند، داشتن شرح صدر برایش اهمیت بیشتری دارد.

- آیه ۱۲۶: برای تمامی مراتب آیه قرار داده شده است تا افراد با دیدن این آیه‌ها در هر مرتبه‌ای شرح صدر برایشان ایجاد شود.



دسته چهاردهم آیات ۱۲۸ تا ۱۳۵:

<p>وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَامَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْرَثْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْمَعْ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَنَا لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)</p> <p>و روزی که همه آنها را گرد می‌آورد [و می‌گوید]: ای گروه جتیان! از آدمیان، پیروان زیادی فراهم آوردید، و هواخواهان آنان از آدمیان گویند: پروردگارا! برخی از ما از دیگری بهره گرفت، و به اجلی که برای ما مقرر کرده بودی رسیدیم. [خدا] فرماید:</p>
<p>وَكَذَلِكَ تُولَى الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹)</p> <p>و این گونه برخی از ستمکاران را به سزای اعمالی که مرتکب می‌شدند به بعضی دیگر وا می‌گذاریم.</p>
<p>يَامَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰)</p> <p>ای گروه جن و انس! مگر رسولانی از خودتان سوی شما نیامدند که آیات مرا بر شما می‌خواندند و شما را از دیدار امروزتان بیم می‌دادند؟ گویند: بر ضد خویش گواهی می‌دهیم [که آری آمدند]، و زندگی دنیا فریشتان داد و ضد خود گواهی دادند که کافر بوده‌اند.</p>
<p>ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (۱۳۱)</p> <p>این [اتمام حجت] از آن روست که پروردگار تو هیچ‌گاه [اهل] شهرها را به ستم هلاک کننده نبوده است در حالی که مردم آن غافل باشند.</p>
<p>وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَفْلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)</p> <p>و برای هر یک [از بندگان] برای آنچه انجام داده‌اند [نزد خدا] رتبه‌هایی است، و پروردگار تو از آنچه می‌کنند غافل نیست.</p>
<p>وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَّا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخِرِينَ (۱۳۳)</p> <p>و پروردگار تو غنی و صاحب رحمت است، اگر بخواهد شما را می‌برد و پس از شما هر چه [از آفریدگان خود] را بخواهد جانشین می‌کند آن چنان که شما را نیز از نسل گروهی دیگر پدید آورد.</p>
<p>إِنَّ مَا تُوَعَّدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴)</p> <p>آنچه به شما وعده داده می‌شود حتما خواهد آمد، و شما [بر خواست خدا] غالب نخواهید شد.</p>
<p>قُلْ يَا قَوْمِ اِعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتِبِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵)</p> <p>بگو: ای قوم من! هر چه در توان دارید به کار گیرید که من نیز در کارم، [اما] به زودی خواهید دانست که عاقبت آن سرا برای کیست. و یقیناً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.</p>

- آیه ۱۲۸: نظام مراتب و تقدیر غیر از انس درباره جن هم وجود دارد. این آیه توضیحی است درباره شبکه تفصیل در جتیان.

- آیه ۱۲۹: ظالمین به خاطر توانمندی‌هایشان، بر خورداری کسب می‌کنند و با توجه به کسب‌هایشان کاری می‌کنند که بر عده‌ای دیگر ولایت پیدا می‌کنند.

- آیه ۱۳۰: انبیاء آمدند و آیات الهی را برای شما روایت کردند و انذار دادند که وقتی به لقاء خدا می‌رسید اعمال کسب کرده‌تان را مشاهده می‌کنید.

- آیه ۱۳۱: خدا حقیقت را به انسان‌ها گفته است و وقتی عذاب آید انسان‌ها فقط خودشان را مقصر می‌دانند نه احدی دیگر را.

- آیه ۱۳۲: انسان‌ها به اندازه حرکت و توقفشان در این نظام ظلمات و نور، در قیامت نیز محسوس می‌شوند. یعنی به همین صورت و با همین درجات.

- خدا به انسان‌ها اختیار داده بود تا بتوانند دستگاه دریافت رحمت و فضل را در خودشان ایجاد کنند.

- توجه: خدا انسان‌ها را به «فضلش» بهشت می‌برد نه به عدلش.

- آیات ۱۳۳ تا ۱۳۵: زمان وعده‌هایی که خدا داده است بالاخره فرا می‌رسد، شما طبق قاعده خود عمل کنید و انبیاء هم طبق قاعده خودشان عمل کنند. در آینده بالاخره معلوم خواهد شد عاقبت هر کسی چیست؟

- خدا در نظام ظلمات، وعده‌هایی داده که فرا رسیده است. (آیه ۱۳۴: لَات)

دسته پانزدهم آیات ۱۳۶ تا ۱۵۰:

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْقِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

و برای خدا آنچه از زراعت و دام‌ها که او آفریده سهمی گذاشتند، [و سهمی برای بت‌ها] و به خیال خود گفتند: این سهم خدا و این هم برای بت‌های ماست. پس آن سهمی که مخصوص بت‌هایشان بود به خدا نمی‌رسید، ولی آنچه برای خدا بود به بت‌ها می‌رسید [و سهم خدا را به بت‌ها می‌دادند، و چه] بد حکم می‌کنند!

وَ كَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤَهُمْ لِيُرْذَوْهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷)

و مبعودانشان این گونه برای بسیاری از مشرکان، کشتن فرزندانشان را جلوه دادند تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشوش سازند. و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند، پس ایشان را با دروغ‌هایی که می‌یافتند رها کن.

وَ قَالُوا هَذِهِ آتَعَمَّ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِرِزْقِهِمْ وَ أَنْعَمَ حَرْمَتِ ظُهُورِهَا وَ أَنْعَمَ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸)

و به پندار خویش گفتند: این‌ها چهارپایان و زراعت‌هایی ممنوع هستند و جز کسی که ما بخواهیم از آن نمی‌خورد، و چهارپایانی هستند که سواری آنها حرام شده و [حال] چهارپایانی را نیز بدون ذکر نام خدا ذبح می‌کنند [و این احکام را] بر خدا می‌بندند.

وَ قَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَ مَحْرَمٌ عَلَىٰ أَرْوَاجِنَا وَ إِن يَكُن مَّيْنَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۳۹)

و گفتند: آنچه در شکم این دام‌هاست صرفاً از آن مردان ماست و بر زنان ما حرام است، و اگر مرده باشد، همه در آن شریکند. به زودی خداوند توصیف آنان [از دین] را سزا خواهد داد. بی‌گمان او حکیم آگاه است.

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۴۰)

محققا کسانی که فرزندان خود را به سفاقت و نادانی کشتند و آنچه را خدا روزیشان کرده بود، از روی افترا به خدا حرام کردند، سخت زیان دیدند. به راستی آنها گمراه شدند و راه یافته نبودند.

* وَ هُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مَخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزُّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مُتَشَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُّوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ ءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَّا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱۴۱)

و اوست که باغ‌هایی از درختان داربستی [مانند انگور] و بدون داربست و نخل و زراعت با میوه‌های گوناگون، و زیتون و انار، مشابه و غیر مشابه را پدید آورد. شما از میوه‌ی آن به هنگامی که بار می‌دهد بخورید، و روز چیدنش حق آن را [به مستمندان] بپردازید ولی زیاده‌روی نکنید که او مسرفان را دوست ندارد.

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُّوهُم مِّمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَكَأَن تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲)

و از چهارپایان برای شما باربر و حیوانات کوچک [تر بهره ده] بیافرید. از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.

تَمَنِّيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ وَالذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نُبُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳)

هشت جفت [بر شما حلال است] از گوسفند دو تا، و از بز دو تا. بگو: آیا نرهای آنها را حرام کرده یا ماده‌ها را، یا آنچه را رحم ماده‌ها در بر دارد؟ [چرا از خود حکم می‌سازید؟] اگر راست می‌گویید مرا از روی علم آگاه سازید.

وَمِنَ الْأَبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ وَالذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْنَاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَن أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا يُغَيِّبُ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

و از شتر دو تا، و از گاو دو تا. بگو: آیا نرهای آنها را حرام کرده یا ماده‌ها را یا آنچه را رحم ماده‌ها در بر دارد؟ یا شما شاهد زمانی که خدا شما را به این حکم [ناروا] توصیه کرد؟ پس چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بزند تا مردم را بی‌هیچ دانشی گمراه کند؟ مسلماً خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

قُلْ لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مَحْرَمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْلَهُ أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَن اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَّا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴۵)

بگو: در آنچه به من وحی شده چیزی را که خوردنش بر خورنده‌ای حرام باشد نمی‌یابم، مگر این که مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که بی‌شک آن پلید است، یا ذبیحی که از روی نافرمانی نام غیر خدا بر آن یاد شده باشد. اما هر که بدون زیاده‌خواهی و سرکشی ناچار گردد [برای حفظ جان از آن بخورد] البته پروردگار تو آمرزنده‌ی مهربان است.

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۴۶)

و بر یهودیان هر [حیوان] ناخن‌داری را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه آنها را بر آنان تحریم نمودیم، به استثنای پیه‌هایی که بر پشت آنها یا بر روده‌هاست یا آنچه به استخوان چسبیده باشد. این [تحریم] را به جرم سرکشی‌شان، به آنها کیفر دادیم و بی‌شک ما راست گفتاریم.

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَ لَّا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴۷)

پس اگر تو را تکذیب کردند، بگو: پروردگارتان صاحب رحمتی وسیع است، ولی عذاب او از گروه گناهکاران برگردانده نشود.

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَ لَّا آبَاؤُنَا وَ لَّا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱۴۸)

مشرکان خواهند گفت: اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما شرک نمی‌آوردیم و چیزی را تحریم نمی‌کردیم. پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند، تا آن که عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو: برهان رسا و روشن مخصوص خداست [که برای کسی بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد] و اگر اراده می‌کرد شما را جملگی [به جبر] هدایت می‌نمود.

قُلْ هَلْمْ شَهِدَاءُكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَ لَّا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ الَّذِينَ لَّا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ هُمْ بِرَبِّهِمْ يَخِدُلُونَ (۱۵۰)

بگو: گواهان خود را که شهادت می‌دهند که خدا این چیزها را حرام کرده است بیاورید، پس اگر آنها شهادت دادند تو با آنها شهادت مده و از هوا و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از امیال کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگارشان همتا و معادل می‌تراشند، پیروی مکن.

– این دسته از آیات قواعدی خود ساخته را بیان می‌کند که انسان‌ها بر اساس هوای نفس و منویاتشان ساخته‌اند و این قواعد را در برابر احکام الهی قرار می‌دهند.

– مثلاً عده‌ای از چهارپایان را برای خدا و عده‌ای را بر اساس قواعد خودشان برای خود قرار می‌دادند.

– قواعدی که آنها می‌ساختند به رسوم و فرهنگ و آداب اجتماعی تبدیل می‌شد و عمل بر خلاف حکم آنها تثبیت می‌شد.

– این آیات نمونه‌هایی از آن قواعد را بیان می‌کند که در برابر حکم بودن خدا قرار گرفته است. (ساء ما يَخْكُمُونَ (۱۳۶))

– هر حکمی که انسان از جانب خودش بگذارد به شدت خطرناک است. در این آیات انواع این حکم‌ها را بیان می‌کند.

- توجه: باید و نبایدهایی که برای آدم‌ها وضع می‌کنیم اما الهی نیستند شامل همین قواعد خود ساخته هستند.

- باید و نبایدهایی که زن و مرد بعد از ازدواج برای همدیگر می‌گذارند جزء این دسته از قواعد خود ساخته است. باید بدانیم که زن و مرد به تیت الهی ازدواج می‌کنند و هر دو در ضمان خدا هستند نه ضمان همدیگر. به همین علت در عقد ازدواج، هم بستن این عقد احتیاج به خواندن صیغه دارد و هم قطع کردن آن احتیاج به خواندن صیغه دارد.

- انسان نباید برای خودش شأن حکم دادن قائل باشد.

- ما باید مبتنی بر حکم خدا زندگی کنیم نه مبتنی بر «بزعمهم». (آیه ۱۳۸: بزعمهم)

- هر کسی در زندگی توقعات و باید و نبایدهایش را فهرست کند و سپس ببیند که چقدر از این توقعات حکم خداست و چقدر از آنها، بزعمهم است.

- اگر کسی قصدش این باشد که خودش حکم نکند و دنبال حکم خدا باشد. عالمی را به نمایندگی از خدا انتخاب کند، ولو عالم در حکمش اشتباه کند مشکلی برای آن فرد به وجود نمی‌آید زیرا او معذور است و مأجور.

- ما باید قرآن را خوب بخوانیم و باید و نبایدهای زندگیمان را از آن استخراج کنیم.

- امام خمینی می‌فرمودند: «بر همه مسلمانان واجب است قرآن را بخوانند، بفهمند و زندگی خود را بر آن تطبیق دهند».

- از آیه ۱۴۱ به بعد، آیات خداوند را بیان می‌کند که اگر انسان به این آیات ایمان آورد برای فهم حکم و بقیه موارد بسیار مؤثر است.

- آیه ۱۴۱: برای هر چیزی آکلی است و این اکل هم قاعده دارد. مصرف اکل هر چیز، طبق قاعده‌ای است که خدا برای آن اجازه داده است و انسان حق ندارد در آن اسراف کند.

- آیه ۱۴۲: حواسمان باید جمع باشد که شیطان گام به گام جلو می‌آید. شیطان هم تدریج را طی می‌کند.

- آیه ۱۴۳: جزئی‌ترین استفاده‌ها را هم خدا باید تعیین کند و اگر قرار باشد انسان خودش علم کسب کند قطعاً نمی‌تواند به خیلی از موارد پی ببرد و این موارد به برکت انبیاء بر انسان باز شده‌اند. باید خبر علم را به ما بدهند. (نَبُّونِي بِعِلْم)

- توجه: سررشته تمامی علوم و صنایع به یک نبی برمی‌گردد. صنعت لباس و صنعت آهن و ... را انبیاء آورده‌اند.

- بشر هیچ پیشرفت علمی به معنای واقعی ندارد، انسان‌ها قبلاً از بیماری طاعون و وبا و غیره می‌مردند حالا از سرطان و ایدز و ..

می‌میرند. تأمل در روایتی که می‌گوید: «تا هنگام ظهور فقط ۲ حرف از ۲۷ حرف علم کشف می‌شود و هنگام ظهور بقیه آن»، بسیار

مؤثر است بدین معنا که با دو حرف چند حرف می‌توان ساخت و حال با ۲۷ حرف چند کلمه می‌توان ساخت. تفاوت علم قبل از

ظهور با بعد از ظهور به اندازه کلماتی است که می‌توان با دو حرف ساخت نسبت به کلماتی که می‌توان با کل الفبا ساخت.

- البته منظور از این سخنان این نیست که تجربه بشر مهم نیست بلکه تجربه بشر بر ما حجیت دارد و پزشکی که در همین سیستم

علمی پزشک شده است می‌تواند به ما بگوید که گرفتن روزه بر ما حرام است یا نه.

- آیه ۱۴۶: یهودیان به واسطه ظلمی که کردند دایره حلال خدا بر آنها تنگ شد.

- آیه ۱۴۸: یکی از شبهه‌هایی که در برابر پیامبر می‌کردند این بود که «اگر خدا نمی‌خواست ما مشرک نمی‌شدیم». یا اگر خدا نمی‌-

خواست ما گناه نمی‌کردیم.

آیه ۱۴۹: خدا از درون و بیرون حجت را بر انسان تمام کرده است. خدا حجت بالغه دارد. و فطرت و وجدان انسان حاکم است که انسان اشتباه کرده است و در قیامت خود انسان و اعضایش و انبیاء و خود خدا شهادت می‌دهند که او اشتباه کرده است.

- آیه ۱۵۰: در این آیه می‌گوید «اگر چیزی را از جانب خودتان حرام کردید دلیل آن را بیان کنید» و سپس این مسئله به عدل گرفتن برای خدا می‌انجامد.

- این مجموعه از آیات مرء و کسب و عدل را با هم مرتبط کرد.

- یعنی اینکه کسی مبتنی بر حکم عمل نمی‌کند یعنی در واقع برای خدا عدل گرفته است و این معنایش این است که در کنار خدا برای خودش خدایی ای قائل است.

- آیه ۱۵۱: در این آیه یک سری از محرمات خدا را بیان که پایه محرمات الهی است: ۱- شرک ورزیدن به خدا ۲- هر آنچه که جزء احسان به والدین محسوب نشود ۳- قتل اولاد از روی فقر ۴- نزدیک شدن به فواحش یعنی هر کاری که پلید است و گناه است و اثم. ۵- قتل نفس.

- قتل نفس یعنی کاری کنید که فردی از یک نوع حیاتی محروم شود حال می‌خواهد این حیات توانمندی‌اش باشد و یا ...

- قتل اولاد یعنی هر کاری که به واسطه نگرانی از آن حیات را از بچه سلب کند. مثلاً پدر و مادر کاری کنند که بچه‌دار نشوند و یا بچه‌دار شدن را به تعویق بیندازند مگر اینکه برای این کار حکم خدا داشته باشند.

- «قتل» صرفاً به معنای کشتن انسان زنده نیست بلکه به معنای گرفتن حیات در جایی است که می‌توانست حیات به وجود آید.

جمع‌بندی:

اگر کسی می‌خواهد دچار «مرء» و «اکتساب به سیئات» و «عدل گرفتن برای خدا» نشود باید در تمامی شئون زندگی‌اش، بزعمهم را کنار بگذارد و طبق حکم خدا عمل کند. از جزئیات مسائل زندگی گرفته تا مسائل کلی در زندگی باید این کار صورت گیرد.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر،

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین